

## حمام‌ها در ضربالمثل‌های فارسی

محسن طبیسی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۷)

### چکیده

واژگان معماری همواره در کلام عامه نمود داشته است. بهسب اهمیت شستشو و پاکیزگی در نظام روابط اجتماعی ایرانیان، حمام‌ها در جایگاهی ممتاز قرار داشته‌اند. حمام‌ها از آسیب‌پذیرترین گونه‌های معماری هستند و متاسفانه فرهنگ گرمابه‌ها بیشتر و پیش‌تر از کالبد آن‌ها در معرض نابودی است. بنابراین نباید در ضرورت مستندسازی وجود غیر مادی گرمابه‌ها تردیدی روا داشت. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی به بازشناسی، طبقه‌بندی و تحلیل وجود مختلف گرمابه‌ها در ضربالمثل‌های فارسی می‌پردازد.

مهم‌ترین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که امثال به صورت جمله ساده خبری، بیشترین فراوانی را دارند و در عین ظرافت زبانی، مطلب را به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌کنند. از نظر محتوای عمومی امثال، مسائل اجتماعی و اخلاقی بالاترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی محتوای تخصصی امثال از نظر معماری بیانگر توجه عمده به

۱. استادیار معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول)

\* mohsentabasi@mshdiau.ac.ir

کالبد معماری حمام‌هاست. بررسی محتوای مردم‌شناسانه امثال نیز نشان می‌دهد که به وسائل حمام‌ها بیشتر از دیگر موارد توجه شده است. همچنین معماری و موضوعات مردم‌شناختی گرمابه‌ها اهمیت یکسانی دارند و باید همپای توجه به حفظ کالبد معماری گرمابه‌ها به حفاظت از وجوده مردم‌شناختی آن‌ها نیز اهتمام ورزید.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات عامه، ضربالمثل، معماری، مردم‌شناسی، حمام، ایران.

## ۱. مقدمه

معماری ظرف زندگی است و همه صورت‌های زندگی در این ظرف تجلی می‌یابد. از این‌رو، واژگان معماری چه در سخن ادبیانه، چه در کلام عامه همواره به کار می‌رود. علاوه‌بر متون فصیح فارسی، ادبیات عامه نیز بخش مهمی از ادب پارسی است که شایسته جست‌وجو برای یافتن واژه‌های معماری و مردم‌شناسی است و دقیقاً از این دیدگاه، ادبیات عامه برای یافتن واژه‌هایی که نزد مردم و جامعه زنده بوده و کاربرد داشته است، مرجعی مطمئن‌تر از ادب رسمی و درباری است.

از سوی دیگر، پاکیزگی تن و جان از روزگاران کهن نزد اقوام آریایی متدالو بوده و مستندات بسیاری درباره قداست و حرمت آب، در ادوار پیش از اسلام در دست است. با فراغیر شدن اسلام، غسل‌های متعدد و شست‌وشوهای مکرر روزانه (وضو) نیز اهمیت یافت. فعل استحمام در مکانی به نام حمام صورت می‌گرفت که در ابتدای شکل‌گیری، فاقد معماری قابل تشخیص بوده است؛ اما در طول تاریخ، معماران ایرانی به تدریج آن را از آبزن به فضایی باشکوه بدل ساختند.

بنا به دلایل متعدد، حمام‌ها از آسیب‌پذیرترین گونه‌های معماری به شمار می‌روند که همواره تغییرات اساسی یا تخریب کامل بر آن صورت می‌گرفت و متأسفانه فرهنگ گرمابه‌ها بسیار بیشتر و پیش‌تر از خود آن‌ها در معرض نابودی است. نقش حمام در نظام روابط اجتماعی، پیوند مستحکم و دیرپای آن با آیین‌های گذر و آداب و رسوم مذهبی و محلی، ارتباط آن با علوم و روش‌های سنتی پژوهشکی و حضور در بیشتر عرصه‌های فرهنگ مردم، از جمله ویژگی‌هایی است که حمام‌ها را در قیاس با دیگر گونه‌های معماری در جایگاهی ممتاز قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به این وضع

نابسامان نباید در ضرورت مستندسازی و تجزیه و تحلیل وجوده غیرمادی گرمابه‌ها، به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایران تردیدی روا داشت.

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و با روشنی توصیفی- تطبیقی به بازناسی حمام در ادبیات عامه پرداخته و از میان گرایش‌های متعدد ادبیات عامه فقط به ضربالمثل‌های فارسی بسته کرده است. همچنین نگارنده از روش تاریخی برای نقد و بررسی مستندات مکتوب بهره گرفته و سعی کرده است که روایی استناد و منابع، تا حد ممکن نقد بیرونی و درونی شود تا بر اعتبار تحقیق افزوده شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

ضرورت‌های آیینی و رویکردهای بهداشتی سبب شدنند که شستشو و استحمام به یکی از آداب و رسوم ایرانیان بدل گردد که از بدرو تولد، حتی تا پس از مرگ نیز با آدمی همراه است. بدین اعتبار بیشتر کتاب‌ها، مقالات، سفرنامه‌ها، رساله‌ها، فرمان‌ها و به طور کلی تمامی متون، در پی یافتن ردی از حمام یا دیگر وجوده مرتبط با آن هستند. مهم‌ترین مأخذ برای شناخت عمومی از گرمابه‌های ایران، مقاله «حمام‌ها»، تألیف محمدکریم پیرنیا در کتاب آشنایی با معماری اسلامی ایران (۱۳۷۲) است. دو مقاله از فرهاد فخاری تهرانی، با عنوانی «حمام‌ها»، در کتاب معماری ایران، دوره اسلامی (کیانی، ۱۳۶۶)؛ و «حمام‌ها در نظرگاه زمان» (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹) نیز با همین هدف نگاشته شده‌اند. این مقالات به مرور اجمالی وجوده گوناگون حمام‌ها پرداخته و بستر مناسبی را برای مطالعات تکمیلی دیگر محققان فراهم آوردند.

**مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی** (فخاری تهرانی، ۱۳۸۴)، و شماره ۵۷ و ۵۸ از مجله کتاب ماه هنر (خرداد و تیر ۱۳۸۲)- که یک مجلد آن به بررسی فرهنگ آب اختصاص یافته است- نیز دربردارنده مقالاتی با موضوعات متنوع به‌ویژه وجوده مردم‌شناختی حمام‌ها هستند. جلد هجدهم از مجموعه گنجنامه، درباره حمام‌هاست و مقدمه‌ای که بر آن نوشته شده است نیز از جمله مقالات عمومی این حوزه بهشمار می‌رود ( حاجی قاسمی، ۱۳۸۳). بخشی از جلد چهارم **دایرة المعارف** بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی نیز به حمام‌ها پرداخته است (ملازاده، ۱۳۷۹).

کتاب آشنایی با گرمابه‌های ایران تألیف محسن طبی‌نیز از جمله منابع عمومی درباره حمام‌هاست که در سه بخش به معماری حمام‌ها، منابع مکتوب و نیز فرهنگ مردم ایران پرداخته است (طبی، ۱۳۹۲). کتابنامه گرمابه‌ها نیز دربردارنده مشخصات کتاب‌شناسی بیشتر منابع فارسی و خارجی مرتبط با حمام‌هاست که به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند (طبی، ۱۳۹۲). علاوه‌بر این، مقالات متعددی نیز به صورت موضوعی یا موردی به حمام‌ها توجه کرده‌اند. مقالات موضوعی بیشتر به وجوده مردم‌شناسخنی حمام‌ها پرداخته‌اند.

علاوه‌بر این نخستین و مهم‌ترین منبع درباره امثال فارسی مقاله «کتاب‌شناسی ضربالمثل‌ها» است که طی آن ۳۵۰ کتاب و ۱۰۵ مقاله در این حوزه معرفی شده‌اند تا پژوهندگان بتوانند به اتکای آن دامنه تحقیق را توسعه دهند و از مکرر کردن پژوهش‌ها اجتناب کنند (ذوق‌القاری، ۱۳۸۵). برخی از منابع به گردآوری و بعضی دیگر به روایت داستان‌های امثال پرداخته‌اند. شماری از منابع نیز با نگاهی تحلیلی به موضوع، سعی در ارتقای دانش ادبیات عامه در این حوزه داشته‌اند. مقالاتی همچون «شیوه‌نامه تدوین مثال‌های ایرانی» (ذوق‌القاری، ۱۳۸۳) و «سیری در داستان‌های امثال» (ذوق‌القاری، ۱۳۸۴) نیز از این جمله‌اند. تلاش‌هایی با نگاهی نو (پارسا، ۱۳۸۴) در مطالعات تطبیقی ضربالمثل‌ها نیز صورت گرفته است (ناصری، ۱۳۸۶). از منابع متقدم نیز باید به مقالات «تقسیمات مثل» (بهمنیار، ۱۳۲۹) و «سخنی در زمینه امثال» (رضوانیان، ۱۳۵۶) اشاره کرد.

مهم‌ترین اثری که در این حوزه تاکنون فراهم آمده کتاب ارزشمند فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی است که با وجود برخی انتقادها (سیزیان‌بور و جهانی، ۱۳۹۱؛ واعظزاده، ۱۳۹۰) همچنان تنها منبع جامع، قابل اعتماد و شایسته اعتماد در این خصوص به شمار می‌رود (ذوق‌القاری، ۱۳۸۸). مقاله «بازخوانی امثال و حکم به منظور بازیابی واژه‌ها و اصطلاحات معماري و شهرسازی» نیز در همین حوزه به شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل وجوده معماري کتاب امثال و حکم پرداخته است (طبی، ۱۳۹۱).

### ۳. روش پژوهش

در مطالعه حاضر از روش تحلیلی برای نقد و بررسی مدارک بهره گرفته شده است تا از این طریق بتوان ویژگی‌های عمومی و مشترک امثال را تبیین کرد. بدین منظور سعی شده است مدارک و شواهد مورد نیاز تا حد ممکن گردآوری و بین آن‌ها ارتباطی

منطقی برقرار شود. همچنین سعی شده است روایی اسناد و منابع، تا حد ممکن نقد بیرونی و درونی شود تا با اتكای بر اعتبار آن‌ها، اعتبار تحقیق نیز افزایش یابد. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی توصیفی- تطبیقی است؛ پژوهشی توصیفی است، زیرا ماهیت، شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده موضوع را بدون قضاوت و داوری وصف می‌کند، و پژوهشی تطبیقی است، زیرا مجموعه‌ای از آزمودنی‌ها را با ضوابطی خاص، مقایسه می‌کند و درباره آن‌ها به داوری می‌پردازد. از نظر روش گردآوری اطلاعات سعی شده است تا اطلاعات مورد نیاز با شیوه‌های گوناگون (کتابخانه‌ای و بهندرت میدانی) به گونه‌ای فراهم آیند که روایی و پایایی آن‌ها نیز تأمین شود. اطلاعات فراهم‌آمده با روش‌های کیفی و کمی تجزیه و تحلیل شده‌اند. از آنجا که بخش عمده‌ای از داده‌های این پژوهش، کیفی و بدون جنبه‌های آماری است؛ لذا به کارگیری روش‌های تحلیل کیفی ضروری می‌نماید.

در این پژوهش ضربالمثل‌هایی را که به گونه‌ای به وجوده متعدد حمام‌ها مربوط بوده‌اند، تا حد ممکن از منابع متعدد استخراج کرده‌ایم. بدیهی است به‌سبب تعدد منابع و وفور ضربالمثل‌ها چه‌بسا شماری از امثال مرتبط نیز از قلم افتاده باشند. تأکید می‌شود آنچه فراهم آمده (درمجموع ۱۳۴ ضربالمثل) فقط در حد توان نگارنده و دسترسی وی به منابع بوده که برای نشان‌دادن اهمیت موضوع بسند است و بررسی تمام ضربالمثل‌ها نیز راه به جایی نخواهد برد. نتایج و یافته‌های این جست‌وجو نخست براساس حروف الفبا مرتب شد، سپس در مرحله‌ای دیگر صورت تحلیلی به خود گرفت.

برای جلوگیری از طولانی‌شدن مقاله، فقط در برخی موارد، مثال‌هایی ذکر شده است. معیار برای انتخاب شاهد مثال‌ها، مناسبت بیشتر آن‌ها با موضوع مورد بحث، اشتهرار و رواج ضربالمثل، نشان دادن معانی مختلف مورد نظر در آن‌ها، تکراری نبودن و درنهایت زیبایی امثال بوده است. در طبقه‌بندی امثال، ابتدا ضربالمثل‌ها بر اساس *شیوه‌نامه تدوین مثال‌های ایرانی* (ذوقفاری، ۱۳۸۳) تقسیم و سپس از نظر محتوایی طبقه‌بندی شدند.

#### ۴. چارچوب نظری

##### ۱-۴. حمام‌های ایرانی

۱-۱-۴. واژه‌شناسی: حمام واژه‌ای است عربی، به معنی گرمابه و محلی برای شست‌وشوی سر و تن و به صورت حمامات جمع بسته می‌شود (جر، ۱۳۶۷؛ ذیل واژه «حمام»). حمام را به معنای گرمابه نیز دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷؛ حمام؛ معین، ۱۳۷۱؛ حمام) و برای واژه گرمابه نیز، واژه‌های متراff دیگری همچون گرمماوه، گرمابان و گرمماون آورده شده است.

برخی در معانی و به کارگیری واژگان، اندکی تفاوت قائل‌اند و معتقدند حمام واژه‌ای است که برای حمام‌های عمومی خزینه‌دار به کار می‌رود و بدین اعتبار حمام‌های عمومی دوش‌دار با نمرة خصوصی (که هنوز هم کم‌وپیش دایر هستند) را گرمابه می‌نامند. به نظر می‌رسد این شیوه دسته‌بندی و نام‌گذاری که در سال‌های اخیر صورت گرفته است، چندان پایه و سنتیت علمی و لغوی متقنی نداشته باشد؛ زیرا بر اساس آنچه در متون دیده می‌شود و نیز آنچه از فرهنگ‌های معتبر بر می‌آید، دو واژه حمام و گرمابه متراff یکدیگرند.

از نظر معماری «واژه گرمابه مرکب از دو کلمه گرم و آبه است. در اینجا آبه به معنی آب نیست، یا به عبارتی، گرمابه مساوی آب گرم نیست، بلکه به محل ساختمان گفته می‌شده، مثل سردا به (ساختمان سرد)، گورابه (یعنی قبرستان یا مقبره) ...» (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۹۷). نکته‌ای که در این باب باید یادآور شد این است که: «فکر می‌کردم واژه گرمابه، فارسی حمام و لغتی است مرکب از آبه و گرم، مضاف و مضاف‌الیه مغلوب، و یا بدل از کسره نسبت و به همان معنی محل آب گرم [که پیرنیا اشاره کرده است] ولی ... پسوند آبه یک لغت مربوط به آیین مهری و به معنی غار و پناهگاه می‌باشد. مشابه آن، مهرابه یعنی پناهگاه و محل اجتماع مهریان بوده ...» (آسانووا و دوو، ۱۳۸۲: ۱۶۴). هاشم رضی می‌نویسد: «... و پسوند آبه، آوه در واژه‌های گرمابه، سردا به و جز آن ... به معنای جای مسقف با سقف ضربی هلالی و قوس‌دار است که مهرابه‌ها را چنین بنا می‌کردن و سقف حمام‌ها و سردا به یا زیرزمین‌ها برای سکونت چنین ساختی را داشتند» (رضی، ۱۳۷۱: ۸۸).

**۴-۱-۲. معماری:** فضاهای هر گرمابه ایرانی را می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد:

#### الف) فضاهای اصلی

- **بینه:** بینه، سربینه، سرِ حمام یا رختکن، بزرگ‌ترین فضای حمام است. کاربرد اصلی بینه، رختکن حمام بوده، ولی استراحت پس از استحمام، نوشیدن چای و کشیدن قلیان، گفت‌و‌گو و ملاقات با دوستان و ... نیز از دیگر کارکردهای این فضا شمرده می‌شده است (بلوکباشی، ۱۳۷۴: ۳۱۴).

- **گرمخانه:** گرمخانه حمام، فضای اصلی شست‌وشو و استحمام است. گرمخانه فضایی عمومی برای کیسه‌کشیدن، لیف و صابون زدن، مشت و مال و احتمالاً یک یا چند فضای خصوصی به نام خلوت دارد.

- **خزینه:** خزینه یا خزانه حوض بزرگی است که برای پاک‌شدن، آب‌کشی و غسل کردن وارد آن می‌شده‌اند.

- **چال‌حوض:** چال‌حوض، چهار‌حوض، چار‌حوض، چاله‌حوض یا دریاچه، فضایی است وسیع که در آن حوض بزرگی مملو از آب سرد وجود دارد و در تابستان‌ها و برای شنا کردن و آب‌تنی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (طبی، ۱۳۸۱: ۹۵).

#### ب) فضاهای ورودی و ارتباطی

- **سردر:** سردر نخستین حلقة ارتباط حمام با بافت شهری است که علاوه‌بر کارکردهای انتقالی و ارتباطی گاه کارکردهای اجتماعی نیز داشته و بنا به مناسبات‌های خاص (همچون عروسی و زایمان و ...) محل تجمع خانواده‌ها و برگزاری جشن و سرور بوده است.

- **هشتی:** دومین بخش از فضاهای ورودی و ارتباطی، هشتی یا کریاس است. تقسیم فضایی، ایجاد وقفه و محلی برای انتظار از کارکردهای هشتی است.

- **دalan:** دلان یا راهرو، فضای انتقالی در حمام‌هاست. راهروهای حمام‌ها بنا به رعایت دید مستقیم و مسائل پزشکی، بیشتر زاویه‌دار و پُر پیچ و خم ساخته شده‌اند (پیرنی، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

- **میان‌در:** میان‌در اصلی‌ترین فضای ارتباطی حمام‌ها، واسطه بین سربینه و گرمخانه و بیشتر محل مکث و عبور (و نه توقف) است.

### ج) فضاهای خدماتی

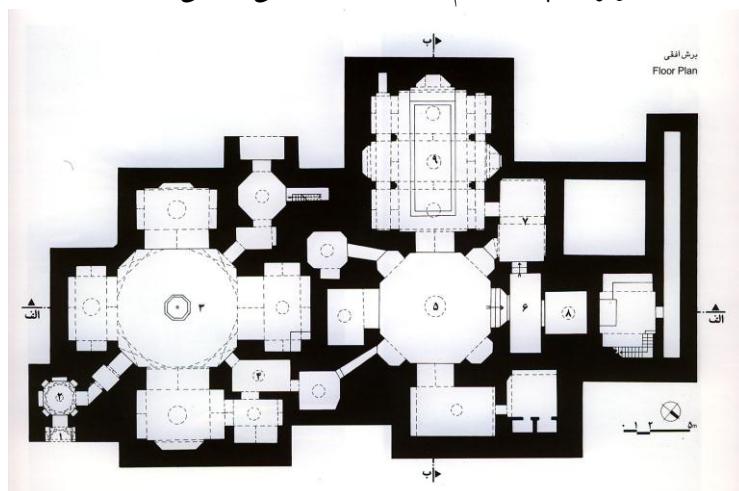
- دهلیز: دهلیز حمام، فضای کوچکی برای نشستن استاد حمامی است.
- آبریزگاه: آبریزگاه از دیگر فضاهای خدماتی است که دسترسی آن از میان در حمام است.

- نورهخانه: نورهخانه یا نورهکشخانه، فضایی برای ستردن موهای اضافی است.
- بام حمام: از فضای بام حمام به عنوان فضایی خدماتی برای آویختن لُنگ‌های حمام استفاده می‌شده است.

### د) فضاهای تأسیساتی

- تون: تون، کوره یا آتشدان حمام، فضایی برای افروختن آتش حمام بوده است.
- انبار سوخت: انبار سوخت حمام، فضایی است در جوار تون که برای نگهداری سوخت حمام به کار می‌رفته است.
- گنداب: گنداب فضایی است باز در جوار برخی حمام‌ها که فاضلاب حمام را در سطح آن پخش می‌کردند تا در هوای آزاد خشک شود (طبی، ۱۳۹۲: ۵۵-۶۲). فضاهای حمام در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.

تصویر ۱ - پلان حمام شاه اصفهان ( حاجی قاسمی، ۱۳۸۳)



۱) ورودی ۲) هشتی ۳) بینه ۴) میاندر ۵) گرمخانه ۶) خزینه ۷) خلوت، شاهنشین

۸) تیان ۹) چال حوض.

#### ۲-۴. ضربالمثل

۱-۲-۴. تعاریف، ویژگی‌ها و وجوه متعدد امثال: از بررسی منابع متعددی که سعی در تعریف مثل داشته‌اند، می‌توان ویژگی‌های امثال را چنین برشمرد: ایجاز و کوتاهی، شهرت و رواج در میان مردم، جنبه‌های اندرزی، روشنی و درستی معنا، حسن تشبیه، حسن تأثیر و جاذبه، جمله‌ای بودن، تکیه بر تجربه، شمول و کلیت، جنبه کنایی، انعکاس اندیشه و آینه زندگی، روانی لفظ و سادگی، کاربرد وسیع، جنبه استعاری، تغییر شکل و نامعلوم بودن پدیدآورنده (ذوق‌الفاراری، ۱۳۸۸: ۲۳).

تنها تعریف جامع و مانع از مثل را حسن ذوق‌الفاراری ارائه داده است: «مثل جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به‌دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت در میان مردم رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر آن را به کار می‌برند» (همان، ۲۵). در بسیاری از منابع، واژه‌های امثال و کنایات به صورت متراffد به کار گرفته شده‌اند. باید توجه داشت که کنایه با ضربالمثل تفاوت‌هایی ظریف دارند که بحث درباره آن خارج از مجال این مقاله است (ر.ک: همو، ۱۳۸۷).

۱-۲-۴-۴. طبقه‌بندی امثال: از جمله مهم‌ترین وجوهی که در مطالعه ضربالمثل‌ها باید به آن توجه کرد، زبان و ساخت زبانی، لحن و بیان، زیبایی‌شناسی، قدمت و رواج، درون‌مایه و محتوا و ریشه‌های امثال است. مثل‌ها را از شش جنبه می‌توان بررسی و طبقه‌بندی کرد: منظوم یا منثور بودن مثل؛ حجم ضربالمثل؛ شکل و ساختار؛ منشأ؛ محتوا؛ بیان و لحن امثال (ذوق‌الفاراری، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۷). مثل‌ها را از جنبه داستان‌مثُل نیز می‌توان بررسی و طبقه‌بندی کرد که به‌سبب گستردن‌گی موضوع، این مسئله در فرصتی دیگر بررسی خواهد شد.

#### ۵. طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های پژوهش

۱-۵. طبقه‌بندی اولیه: در نخستین گام، امثال از پنج منظر (بر اساس نظم و نشر بودن، حجم، شکل و ساختار، منشأ و لحن و بیان) طبقه‌بندی و نتایج تحلیلی آن‌ها در جدول‌های ۱ تا ۵ ارائه شده است.

## جدول شماره ۱- تحلیل یافته‌ها از نظر نظم و نثر

جمع کل	منتور	منظوم				فراآنی (تعداد)
		جمع	بیش از یک بیت	تک بیت	مصراع	
۱۳۴	۱۱۹	۱۵	۳	۹	۳	فراآنی (تعداد)
۱۰۰	۸۸/۸۰	۱۱/۲۰	۲/۲۴	۶/۷۲	۲۴/۲	درصد

## جدول شماره ۲- تحلیل یافته‌ها از نظر حجم امثال

جمع کل	بلند	کوتاه	فراآنی
۱۳۴	۱۰۸	۲۶	فراآنی
۱۰۰	۸۰/۶	۱۹/۴	درصد

## جدول شماره ۳- تحلیل یافته‌ها از نظر شکل و ساختار امثال

داستان دار	تسبیحی	ساده (از مجموع ۱۱۹ مثل منتور)								فراآنی
		جمع	مصدری	شبیه جمله	شرطی	استفهامی	امری	خطابی	خبری	
۳۲	۶	۱۱۹	۷	۱۸	۳	۸	۷	۳	۷۳	فراآنی
۲۳/۸۹	۴/۴۷	۱۰۰	۵/۸۹	۱۵/۱۲	۲/۰۲	۶/۷۲	۵/۸۹	۲/۰۲	۶۱/۳۴	درصد

## جدول شماره ۴- تحلیل یافته‌ها از نظر منشاً امثال

جمع کل	بومی و محلی	عربی	فارسی	فراآنی
۱۳۴	۶	۱	۱۲۷	فراآنی
۱۰۰	۴/۴۸	۰/۷۴	۹۴/۷۸	درصد

### جدول شماره ۵- تحلیل یافته‌ها از نظر لحن و بیان امثال

جمع کل	گفت-وگویی	خطابی	روایی	نازیبا					جدی و معمولی	طنزآمیز و لطیقه‌وار	
				جمع	مستهجن	رکیک	استهباء				
۱۳۴	۱	۲۱	۲	۲۱	۳	۷	۱۱	۴۰	۴۹	۴۹	فراوانی
۱۰۰	۰/۷۵	۱۵/۶۷	۱/۴۹	۱۵/۶۷	۲/۲۴	۵/۲۲	۸/۲۱	۲۹/۸۵	۳۶/۵۷	۳۶/۵۷	درصد

مطالعه حاضر نشان می‌دهد اگرچه ضربالمثل‌های متشرور حدود هشت برابر امثال منظوم هستند؛ اما این بدان معنا نیست که امثال متشرور فاقد ظرافت‌های زبانی و کلامی هستند. بیش از ۸۰٪ امثال از نظر حجم، ضربالمثل بلند به شمار می‌آیند.

بیش از ۶۱٪ امثال (از مجموع ۱۱۹ مثل متشرور) به صورت جمله ساده خبری به کار برده می‌شوند. به عبارت دیگر، امثال در عین ظرافت زبانی، سعی در بیان لب مطلب به ساده‌ترین شکل ممکن دارند و کم‌بودن امثال تشییه‌ی نیز بر این امر دلالت دارد. در این پژوهش به ترتیب شبه‌جمله، جملات استههامی، امری، شرطی و خطابی در مراتب بعدی قرار دارند و حدود شش درصد امثال به شکل مصدری ثبت و ضبط شده‌اند. شش مورد ضربالمثل تشییه‌ی و ۳۲ مورد ضربالمثل داستان‌دار در این مطالعه مشاهده شده است که به بررسی و طبقه‌بندی آن‌ها باید توجه شود.

در پژوهش حاضر فقط یک ضربالمثل با منشأ عربی و شش ضربالمثل بومی و محلی دیده شده است. امثال بررسی شده از نظر لحن و بیان در بیش از ۳۶٪ لحن طنز و حدود ۳۰٪ لحن جدی و معمولی دارند. نکته مهم اینکه فقط در ۲۱ مورد از لحن نازیبا استفاده شده است و فقط ۱۰ مورد از ۱۳۴ مورد الفاظ رکیک یا مستهجن دارند که نشان از پاکی و رعایت کلام عامه دارد. لحن خطابی، روایی و گفت‌وگویی نیز در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

### ۵-۲. تحلیل و طبقه‌بندی بر اساس محتوای عمومی

#### الف. عقاید مذهبی (۲ مورد):

- حایض او من شده به گرمابه ماهی او من تپیده در تابه

(دهخدا، ۱۳۶۶: ۶۸۸)

- هذا مسجد، هذا حمام (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

**ب. عقاید خرافی (۸ مورد):**

- این جور بود؟ (بقایی، ۱۳۷۰: ۱۵۸)

- بچه خمیره، خدا کریمه (وکیلیان، ۱۳۶۸: ۶۱)

- حمام جن است (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۲)

- حمام جن است، یکی از دیگری بلندتر (اطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

- حموم جهودها (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۸)

- سم همه گرد است (بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۳۴۱)

- قوز بالای قوز (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۱۶۸)

- همه سم دارند (امینی، ۱۳۲۴: ۳۱۱)

**ج. قوانین میان مردم (۱۸ مورد):**

- از خودش دیوانه‌تر ندیده بود (وکیلیان، ۱۳۶۸: ۲۶)

- پایش روی گنج است (بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۱۱۵)

- صابون چرک را می‌برد و چرک صابون را (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۴۹۰)

- حموم بری عق می‌کنی (اطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۴)

- هر چه قل قل می‌کند قلیان نیست (مجتبه‌ی، ۱۳۳۴: ۲۶۷)

**د. مدح و ذم (۱۶ مورد):****\* گروه‌ها و اقوام (۴ مورد):**

- حمام، زنانه شد (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۴۱۵)

**\* اشخاص (۷ مورد):**

- ابوبکر سبزوار از این بهتر نمی‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۷۳)

- جلوی دهن آمیرزا بقا را می‌بندد (استانی پاریزی، ۱۳۴۶: ۱۴)

**\* شهرها و اماکن (۳ مورد):**

- رو که نیست، سنگ پای قزوین است (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۴۱۶)

**\* حیوانات (۲ مورد):**

- مگر تو مرغابی هستی که ماهی یک مرتبه حمام می‌روی؟ (خضرایی، ۱۳۸۲: ۳۷۳)

**ه. مسائل پزشکی و بهداشتی (۴ مورد):**

- آب هکماوار برای من ساخته است (مجتهدی، ۱۳۳۴: ۲۷۰)  
قصبه حکم‌آباد که در لفظ عوام هکماوار تلفظ و نگاشته می‌شده، از توابع تبریز بوده است.

- آن سیه‌رو که نام اوست زکام  
اولش فصل و آخرش حمام  
(دهخدا، ۱۳۶۶: ۵۷)

- هلیله و ملیله، روغن میخ طویله، گرد ته خزینه (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۷۳۷)  
و. مسائل اجتماعی (۶۱ مورد):

- اگر شد، آب آشم؛ نشد، آب سرم (مجتهدی، ۱۳۳۴: ۵۸)
- حساب همه چیز را کردم، این یکی در حساب نبود (امینی، ۱۳۲۴: ۳۴۳)
- بوقش را زدنند (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۲۱۹)
- تعارف آب حمامی خرجی ندارد (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)
- حمام جای خر بستن نیست (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۲)
- سر می‌تراشم گریه می‌کنم، روشه می‌خوانم خنده می‌کنم (بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۳۳۳)
- هم سفره نان است و هم لنگ حمام (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۷۴)

ز. مسائل اخلاقی (۲۸ مورد):

- کمال همنشین در من اثر کرد [و گرنه من همان خاکم که هستم]  
(سعدي، ۱۳۶۶: ۷۴)

- من قنداد دادم گنداد خوردم، تو که گنداد می‌دهی ببین چه می‌خوری  
(گروسین، ۱۳۷۰: ۱۷۷)

- حمامی به حمامی می‌رسد صندوق می‌بوسد (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۳)

ح. مسائل اساطیری و تاریخی و سیاسی (۵ مورد):

- مثل رستم در حمام (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۴۳۹)
- جلوی دهن آمیرزا بقا را می‌بندد (باستانی پاریزی، ۱۴: ۱۳۴۶)
- تنبل شاه عباسی (سرمد، ۱۳۷۶: ۱۲۸)

یافته‌های طبقه‌بندی شده در این بخش در جدول شماره ۶ از نظر کمی تحلیل شده‌اند.

### جدول شماره ۶- تحلیل محتوای یافته‌ها از نظر موضوعات عمومی

جمع کل	تاریخی	اخلاقی	اجتماعی	پژوهشکی	مدح و ذمّ					قواتین مردمی	منزه از خرافی	منزه از مذهبی	
					جمع	حيوانات	اماكن	أشخاص	اقوام				
۱۴۲	۵	۲۸	۶۱	۴	۱۶	۲	۳	۷	۴	۱۸	۸	۲	فراوانی
۱۰۰	۳/۵	۱۹/۶	۴۲/۷	۲/۸	۱۱/۲	۱/۴	۲/۱	۴/۹	۲/۸	۱۲/۶	۵/۶	۱/۴	درصد

تحلیل محتوای عمومی امثال نشان می‌دهد اگرچه ارتباط تنگاتنگی بین طهارت و عبادت وجود دارد؛ اما فقط ۲ مورد (۱/۴٪) از امثال به این موضوعات مذهبی اشاره دارند. بر اساس باورهای عامه، گرمابه‌ها جایگاه اجنه هستند؛ اما این موضوع خرافی، فقط ۵/۶٪ از امثال را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد این باور خرافی، نزد عامه مردم چندان هم جدی نیست.

کم بودن موارد و اشارات پژوهشکی (۲/۸٪)، تاریخی و سیاسی و اساطیری (۳/۵٪) بیانگر اهمیت کمتر این موضوعات در سطح عامه جامعه است؛ اما در مقابل، مسائل اجتماعی به طور عام (شامل قوانین رایج در میان مردم، مدح و ذمّ، موضوعات اجتماعی و اخلاقی) با مجموع ۱۲۳ مورد (۸۶/۱٪) نشان می‌دهد که پرداختن به مسائل اجتماعی نزد عامه ایرانیان اهمیت خاصی دارد که به نوعی نشان‌دهنده واقع‌گرایی (و نه خرافه‌گرایی) ایرانیان است.

### ۳-۵. طبقه‌بندی و تحلیل محتوا از نظر معماری

#### الف. کالبد معماري حمام (۱۸ مورد)

##### \* هندسه و تناسبات (۲ مورد):

- نه به اون حموم رهنون، نه به اون مسجد سمنون (لطفى و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

##### \* فضاهای معماري (۷ مورد):

- بزرگی حمام را از سریبینه‌اش می‌توان شناخت (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۱۷۱)

- خیلی خوش پر و پاچه است، لب خزینه هم می‌نشیند (همان، ۳۴۷)

- ما هم تون را می‌تابیم هم بوق را می‌زنیم (همان، ۶۱۹)

- توی خزینه همه کس خوش آواز است (همان، ۲۵۴)

- لب خزینه را می‌بوسد و توی خزینه می‌شاشد (همان، ۶۰۶)

\* گونه‌شناسی حمام (۴ مورد):

- حمام ده را به بوق چکار است؟ (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۳)

همچون عزیم بر در حمام زنان  
- من گرسنه در برابر سفره نان  
(همان، ۱۷۴۸)

\* موقعیت شهری و روستایی (۵ مورد):

- حمام ده را بوق نباید (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۳)

- غیر ناکامی درین ره کام نیست راه عشق است این ره حمام نیست  
(همان، ۸۶۲)

- هذا مسجد، هذا حمام (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

ب. تأسیسات حمام (۱۸ مورد):

\* آب حمام (۱۰ مورد):

- مثل آب حمام (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۴۰۰)

- به گرمی آب حمام است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

\* هوای حمام (۵ مورد):

- حمام هم به این گرمی نیست (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۴)

- مثل دزفولی: خرس و بچه‌اش را بوردن حموم، گرم بید، پاهاش سوختش، بچشه  
و زیر پاش و نشست سرش (میرنیا، ۱۳۶۹: ۳۷۱)

- میمون در حمام بچه‌اش را زیر پایش می‌گذارد (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۷۷۹)

\* سوخت حمام (۱ مورد):

- آب گرمابه را پارگین شاید (همان، ۱۳)

\* فاضلاب حمام (۲ مورد):

- آب حمام، مفت فاضلاب (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۲)

ج. تزیینات حمام (۷ مورد):

\* نقوش سردر حمام (۳ مورد):

که دیگران همه نقش‌اند بر در حمام  
- اگر تو آدمی اعتقاد من این است  
(روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

- رستم در حمام است (دهخدا، ۱۳۶۳: ۸۶۶)

\* نقوش داخل حمام (۴ مورد):

- نقش گرمابه (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۴۹۵)

- قرن حمله فکر هر خامی بود  
- نقش رستم کو به حمامی بود  
(همان، ۸۶۶)

د. سایر موارد ( فقط اشاره به واژه حمام یا گرمابه) (۲۵ مورد):

- حمام داشتیم بچه‌ها خوردن (دهخدا، ۱۳۶۳: ۷۰۳)

- حمام نرفتن بی بی از بی چادری است (همان، ۷۰۳)

یافته‌های طبقه‌بندی شده در این بخش در جدول شماره ۷ از نظر کمی تحلیل شده‌اند.

#### جدول شماره ۷- تحلیل محتوای یافته‌ها از نظر معماری

جمع کل	سایر موارد	تزیینات				تأسیسات						کالبد معماري				فاوتو
		جمع	دررون	سردر	جمع	فاضلاب	سوخت	آب	جع	فضاهای گونه	موقعیت	بعاد	فضاهای گونه	موقعیت	بعاد	
۶۸	۲۵	۷	۴	۲	۱۸	۲	۱	۵	۱۰	۱۸	۵	۴	۷	۲	۲	فراوانی
۱۰۰	۳۶/۷۷	۱۰/۲۹	۵/۸۸	۴/۴۱	۲۶/۴۷	۲/۹۴	۱/۴۷	۷/۳۶	۱۴/۷۰	۲۶/۴۷	۷/۳۵	۵/۸۸	۱۰/۲۹	۲/۹۴	درصد	درصد

تحلیل کیفی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در ۱۳۴ مورد از ضربالمثل‌های بررسی شده، ۶۸ مرتبه به موضوعات مرتبط با معماری حمام‌ها اشاره شده است. موضوعات مورد نظر مردم در ضربالمثل‌ها عموماً متوجه به کارگیری واژه حمام یا گرمابه است. به نظر می‌رسد معماری حمام بنا به دلایل متعدد بستری برای بیان موضوعات است. اشارات صریح به ابعاد و تناسبات، فضاهای حمام، گونه‌شناسی و دیگر موارد، بیانگر دقت نظر عامه مردم به جزئیات و شناخت صحیح آنان از مسائل فنی است. کالبد معماري حمام‌ها با چهار موضوع و در جمع ۱۸ مورد (٪۲۶/۴۷)، تأسیسات گرمابه‌ها نیز با تنوع و فراوانی مشابه دلیلی بر این مدعاست. به تزیینات حمام‌ها در این میان کمتر (۷ مورد و ۱۰/۲۹٪) توجه شده است.

۴-۵. طبقه‌بندی و تحلیل محتوا از نظر مردم‌شناسی

الف. آداب و رسوم حمام (۱۷ مورد):

\* حمام عروس (۱ مورد):

- عروس حمام بَر است (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

\* شست‌وشو و استحمام (۷ مورد):

- لنگ حمام است هر کس بست بست (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۳۷۰)

- سر و کیسه کردن (مرتضویان، ۱۳۴۰: ۱۰۹)

- صابونش به تن همه خورده (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

- مثل همدانی: حمام می‌ری بمال، مسجد می‌ری بنال (ذوق‌قاری، ۱۳۸۳: ۶۶)

\* حنا بستن (۴ مورد):

- اگر من مُردم برو حمام حنا بیند (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۲)

- حنای زیاد را به پاشنه بینند (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

- دست کسی را توی حنا گذاشتن (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۱/۵۲۰)

\* سر تراشیدن (۲ مورد):

- دلاک‌ها چو بیکار مانند، سر یکدیگر تراشند (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

\* سایر موارد (۳ مورد):

- از حمام می‌آیی برو خانه شوهر؛ از جامه‌شویی، خانه مادر! (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۲۳)

- بوچش را زدند (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۲۱۹)

- حمام که به ما رسید زنانه شد (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۳۰۲)

ب. مشاغل حمام (۱۵ مورد):

\* تون تاب (۳ مورد):

- بترس از آن تون تابی که حمامی شده باشد (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۱۵۴)

- تون تابی که حمامی شود به منصب رسیده است (همان، ۲۵۳)

\* حمامی (۷ مورد):

- مثل حمامی‌ها (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۴۲۶)

- حمامی حمامی را نمی‌تواند بینند (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۳۰۳)

- گدا گدا را نمی تواند ببیند، حمامی حمامی را (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۵۸۳)

\* دلاک (۴ مورد):

- دلاکی را با سر من یاد می گیرد (رضایی و باتقواء، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

- دلاکی و استغنا؟ (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

\* جامه‌دار (۱ مورد):

- یک حمام خراب چند جامه‌دار می خواهد؟ (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۰۴۰)

ج. وسائل حمام (۲۴ مورد):

\* تخت حمام (۱ مورد):

- برای تون تاب تخت حمام تخت سلطنت است (شهری، ۱۳۷۹: ۱۵۶)

\* بوق حمام (۸ مورد):

- بوق روی حمام است (دهخدا، ۱۳۶۳: ۵۴۷)

- تجارت بوق حمام (شهری، ۱۳۷۹: ۲۳۳)

- سقش را با بوق حمام برداشته‌اند (هدایت، ۲۵۳۴: ۳۴)

\* سنگ پا (۳ مورد):

- تو حموم زمین خورده، سنگ پا رفته تو کونش (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

- مگر سنگ پا گم شده؟ (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

\* لُنگ حمام (۶ مورد):

- دنیا لنگ حمام است هر روز عورت یکی را می پوشاند (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۳۸۵)

- حمویی به حمویی که برسه واسش لنگ می اندازه (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

\* طاس و دولچه (۵ مورد):

- مگر طاس حمام گم شده؟ (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

- تو حموم شلوغ طاس و دولچه گم می شه (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

\* کیسه (۱ مورد):

- سر و کیسه کردن (مرتضویان، ۱۳۴۰: ۱۰۹)

د. مواد مصرفی در حمام (جمعاً ۱۰ مورد):

\* حنا (۴ مورد):

- دست کسی را توی حنا گذاشتن (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۵۲۰)

### \* گل و صابون (۶ مورد):

- به تو چه که خانه قلی صابون می‌پزند! (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۱۹۰)

- صابون به پای کسی مالیدن (رضایی و باتقواء، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

- مثل بھبهانی: یا نمی‌شم حmom یا پشتی گلُم می (فرجیان و نجف‌زاده، ۱۳۷۰: ۹۱۳/۳)

- جانم از تن چو تن ز جان شده کاهان صابون از جامه کاست جامه ز صابون

(رضایی و باتقواء، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

### ه. بازی‌های حمام (۱ مورد):

- حمومک مورچه داره بشین و پاشو (دهخدا، ۱۳۶۳: ۷۰۳)

یافته‌های طبقه‌بندی شده در این بخش در جدول شماره ۸ از نظر کمی تحلیل شده‌اند.

جدول شماره ۸- تحلیل محتوای یافته‌ها از نظر مردم‌شناسی

ردیف	تیری معنی	معاد مصرفی	مواد مصرفی				وسائل				مشاغل				آداب و رسوم				حمام	عروسی							
			جمع	سبون	حنا	جع	کسبه	ک	دو	آنگ	من	جهنم	تفن	مه	جامه‌دار	وق	همراه	تون	تار	سایر موارد	نم	تر اشیائی	هن	بسشن	شستشو		
۶۷	۱	۱۰	۶	۴	۲۴	۱	۵	۶	۳	۸	۱	۱۵	۱	۴	۷	۳	۱۷	۳	۲	۴	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱۴	۸	۵	۳۵	۱	۷	۸	۴	۱۱	۱	۲۲	۱	۵	۱۰	۴	۲۵	۴	۲	۵	۱۰	۱۰	۱	۱۴۹	۱۴۹	۱۴۹	

تحلیل کیفی یافته‌های پژوهش از نظر مردم‌شناسی، نشان از گستردگی کاربرد واژه‌های مرتبط با حمام‌ها دارد. در مجموع در ۱۳۴ مورد از ضرب المثل‌های بررسی شده ۶۷ مرتبه به واژه‌های مرتبط با مردم‌شناسی اشاره شده است. در این میان، به وسائل حمام‌ها (با ۲۴ مورد و ۳۵٪/۸۲) بیش از دیگر موضوعات، توجه شده است که شاید نشان از قدرت درک و فهم بصری عامه دارد. آداب شستشو و گرمابه‌زدن با ۱۷ مورد

در جایگاه بعدی قرار دارد. تنوع موضوعات مطرح شده در آداب و رسوم، می‌تواند ما را به دقت نظر عامه در این خصوص رهنمون سازد. از لنگ‌بستن برای شست‌وشو تا حنابستن، تراشیدن سر و لیف و کیسه‌کشیدن، مشت و مال و لنگ‌گشادن، همگی به روشنی ذکر شده است.

به مشاغل حمام اگرچه به شکل ناقص اشاره شده است. به نظر می‌رسد چون بیشتر مردم با حمامی و دلاک سروکار دارند، به این رده شغلی بیشتر توجه شده است. از میان تمام مواد مورد استفاده در حمام‌ها فقط به حنا، صابون و گل سرشوی اشاره شده است. بازی‌ها نیز فقط در یک مورد به امثال مرتبط راه یافته‌اند.

### نتیجه‌گیری

مطالعه محتوای عمومی امثال نشان می‌دهد که به ۱۴۵ موضوع، توجه شده است که از این میان مسائل اجتماعی، اخلاقی و قوانین، بین مردم بالاترین حد را به خود اختصاص داده‌اند. توجه عامه به مسائل اجتماعی بیانگر بلوغ فکری جامعه و حساسیت آنان است. نکته مهم دیگر این است که خلاف تصور، فقط ۵/۶٪ از امثال درباره حمام‌ها محتوای خرافی دارند.

نتایج بررسی محتوای امثال از نظر معماری بیانگر توجه به کالبد معماري، تأسیسات و تربیت حمام‌هاست که تنوع موضوعات آن، نشان از دقت نظر عامه به مسائل دقیق فنی دارد. بررسی محتوای مردم‌شناسانه امثال نیز نشان می‌دهد که وسائل حمام‌ها با حدود ۳۶٪ بیشترین بخش امثال را دربرگرفته است. آداب و رسوم با حدود ۲۵٪ و مشاغل حمام‌ها با حدود ۲۲٪ در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. نکته بالاتر این است که مسائل معماري حمام‌ها با ۶۸ مورد و موضوعات مردم‌شناسختی گرمابه‌ها با ۶۷ مورد وزن یکسانی دارند.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نزد عامه مردم و در امثال رایج ایشان، کالبد معماري حمام‌ها همسنگ و همارزش وجوده فرهنگی آن‌ها به شمار می‌آيد و این امر نشان می‌دهد که همپای توجه به حفظ کالبد معماري گرمابه‌ها باید به حفاظت از وجوده فرهنگی و مردم‌شناسختی آن‌ها نیز اهتمام ورزید. با چنین گستردگی و تنوع موضوعات،

باید بیان داشت که پدیدهای به نام حمام، نه فقط یک عنصر اجتماعی (که در تمامی مراحل گذار، از بدو تولد تا روز مرگ، با شادی‌ها و غم‌های عame مردم همراه بوده است)؛ بلکه محمل و بستری مناسب برای بیان باورها، اندیشه‌ها و آرزوهای ایشان نیز بوده است.

## منابع

- آسانووا، گالینا و دوو، مارتین (۱۳۸۲). «طرح مرمت و بازسازی حمام صرافان بخارا». ترجمه علی‌اکبر خان‌محمدی. کتاب ماه هنر. ش ۵۷-۵۸. صص ۱۶۴-۱۶۹.
- امینی، امیرقلی (۱۳۲۴). داستان‌های امثال. اصفهان.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۶). آسیای هفت سنگ. تهران: دانش.
- بقایی، ناصر (۱۳۷۰). امثال فارسی در گویش کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۴). «چگونگی شکل‌گیری معماری برازندۀ قهوه‌خانه». مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ج ۱. صص ۳۱۹-۳۳۰.
- بهمنیار، احمد (۱۳۲۹). «تقسیمات مثل». یغما. ش ۲۳. صص ۲۲-۲۷.
- ----- (۱۳۸۱). داستان‌نامه بهمنیاری. ج سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- پارسا، سیداحمد (۱۳۸۴). «مثل‌ها از نگاهی نو». رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ش ۷۵. صص ۱۷-۴.
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۸۵). ریشه‌های تاریخی امثال و حکم. ج ۲. ج پنجم. تهران: سناپی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲). آشنایی با معماری اسلامی ایران، ساختمان‌های درون‌شهری و بروئ شهری. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جر، خلیل (۱۳۶۷). فرهنگ لاروس (عربی- فارسی). ترجمه سید احمد طبیبیان. تهران: امیرکبیر.
- حاجی قاسمی، کامبیز [گردآورنده] (۱۳۸۳). گنجنامه؛ حمام‌ها. ج ۱۸. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خضرایی، امین (۱۳۸۲). فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی. شیراز: نوید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳). امثال و حکم. ج ۶. تهران: امیرکبیر.

- (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. به کوشش محمد معین و سید جعفر شهیدی. چ دوم (دوره جدید). تهران: دانشگاه تهران / مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- ذوالفاری، حسن (۱۳۸۳). «شیوه‌نامه تدوین مثل‌های ایرانی». *فرهنگ مردم*. ش ۸ - ۹. صص ۶۴ - ۷۸.
- (۱۳۸۴). «سیری در داستان‌های امثال». *مطالعات ایرانی*. ش ۸. صص ۷۵ - ۱۰۶.
- (۱۳۸۴). *داستان‌های امثال*. چ دوم. تهران: مازیار.
- (۱۳۸۵). «کتاب‌شناسی ضربالمثل‌ها». *مطالعات ایرانی*. ش ۹. صص ۵۳ - ۷۷.
- (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه با ضرب المثل». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۱۰۹ - ۱۳۳.
- (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی*. تهران: معین.
- رضایی، الهه و مهدی باتقوا (۱۳۸۲). «حمام در ادبیات منظوم ایران». *کتاب ماه هنر*. ش ۵۷ - ۵۸. صص ۱۷۶ - ۱۷۹.
- رضوانیان، محمدحسن (۱۳۵۶). «سخنی در زمینه امثال (طرز طبقه‌بندی ضربالمثل‌ها و استفاده از آن در مطالعات تطبیقی خصوصیات اخلاقی ملل)». *هنر و مردم*. ش ۱۸۴ - ۱۸۵. صص ۹۸ - ۱۰۲.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱). *آیین مهر (متیرائیسم)*. تهران: بهجت.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۶). *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز: نگرش و پژوهش مردم‌شناسختی*. تهران: اطلاعات.
- سبزیان‌پور، وحید و هدیه جهانی (۱۳۹۱). «نگاهی به کتاب فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۶۴. صص ۶۴ - ۶۷.
- سرمه، غلامعلی (۱۳۷۶). *سخن پیر قديم، ضربالمثل‌های بيرجندي*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۶۶). *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. چ چهارم. تهران: کتاب‌فروشی علمی.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۷۲). *ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آن‌ها*. مشهد: آستان قدس رضوی.

- شهری، جعفر (۱۳۷۹). *قند و نمک*. چ سوم. تهران: معین.
- طبی، محسن (۱۳۸۱). «بازخوانی و قف‌نامه و بررسی کالبدی مرکز محله علیقلی آقا». *صفه*. ش ۳۵. صص ۹۳-۱۲۱.
- (۱۳۹۱). «بازخوانی امثال و حکم به منظور بازیابی واژه‌ها و اصطلاحات معماری و شهرسازی». *مطالعات ایرانی*. ش ۲۲. صص ۲۵-۵۶.
- (۱۳۹۲). *کتابنامه گرمابه‌ها*. مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد مشهد / سخن‌گستر.
- (۱۳۹۲). آشنایی با گرمابه‌های ایران. مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد مشهد / سخن‌گستر.
- فخار تهرانی، فرهاد (۱۳۶۶). «حمام‌ها». *معماری ایران دوره اسلامی*. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- (۱۳۷۹). «حمام‌ها در نظرگاه زمان». *صفه*. ش ۳۰. صص ۹۴-۱۰۵.
- [گردآورنده] (۱۳۸۴). *مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی*. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرجیان، مرتضی و محمدباقر نجف‌زاده بارفروش (۱۳۷۰). *طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب*. تهران: بنیاد.
- (۱۳۸۲). *کتاب ماه هنر*. ش ۵۷-۵۸.
- کیانی، محمدیوسف [گردآورنده] (۱۳۶۶). *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- گروسین، هادی (۱۳۷۰). *واژه‌نامه همدانی*. تهران: مسلم.
- لطفی، علیرضا و حسین مسجدی (۱۳۹۰). *فرهنگواره گرمابه*. تهران: کتاب آبان.
- مجتبهدی، علی‌اصغر (۱۳۳۴). *امثال و حکم در زبان محلی آذربایجان*. تبریز: شفق.
- مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین (۱۳۶۴). *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*. به کوشش محمدعلی سپانلو. تهران: اسفار.
- مرتضویان، سید کمال‌الدین (فارسانی) (۱۳۴۰). *داستان‌های امثال*. اصفهان: کتابفروشی ثقیقی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. دوره شش جلدی. چ هشتم. تهران: امیرکبیر.

- ملازاده، کاظم (۱۳۷۹). «حمام‌ها». *دائرۃ المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای عام المنفعه*. ج چهارم. تهران: حوزه هنری. صص ۲۴-۲۶.
- میرنیا، علی (۱۳۶۹). *فرهنگ مردم (فوکلور ایران)*. تهران: پارسا.
- ناصری، مهدی (۱۳۸۶). «طبقه‌بندی مشترک ضرب‌المثل‌های فارسی، عربی و انگلیسی». *سخن عشق*. ش ۳۳ - ۳۴. صص ۷۹-۸۸.
- هدایت، صادق (۱۳۳۶). *علویه خانم و ولنگاری*. تهران: جاویدان.
- واعظزاده، عباس (۱۳۹۰). «معرفی و نقد کتاب فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۵۰. صص ۶۳-۶۷.
- وکیلیان، احمد (۱۳۶۸). *تمثیل و مثل*. ج ۲. تهران: سروش.